

بررسی رابطه مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر تهران

عباس فخرایی*، روزین مرزی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۵/۳

چکیده

محیط شهری پیچیده، پویا، متنوع و چند وجهی است که مستلزم طراحی یک سیستم چند وجهی و مشارکتی در مدیریت است و حکمرانی خوب شهری این قابلیت را فراهم کرده است. الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مردمی فراهم شده است. این مقاله با هدف سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تهران بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری تدوین شده است و به بررسی معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی شهری (شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، آگاهی شهروندی، اعتماد اجتماعی و کارایی و اثر بخشی) به عنوان متغیرهای وابسته با متغیر مستقل مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحلیل بوسیله آمار استنباطی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. اما در بعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. بر اساس نتایج پژوهش، بین معیارهای حکمرانی و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مشارکت شهروندی بیشترین تاثیر و رابطه را با آگاهی شهروندی داشته و سپس با فاصله معنادار و زیادی تاثیری محسوس بر شفافیت و پاسخگویی و اعتماد اجتماعی دارد. همچنین رابطه متقابل درونی معناداری بین معیارهای حکمرانی وجود دارد.

واژگان کلیدی

مشارکت شهروندی، مدیریت شهری، شهر تهران.

* عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان
** مدرس مدعو گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

مقدمه

افزایش سریع جمعیت، توام با گسترش شهرنشینی و رشد و توسعه روزافزون شهرها به ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده، که این خود موجب گشته سیستم مدیریتی شهر با چالش‌ها و تنگنانهایی مواجه گردد. در سیستم مدیریت شهری نوین برای رفع این مشکلات و چالش‌های در زندگی شهری، الگوهای متعددی ارائه شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمروایی شهری است (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۳۵-۶۷). در این مدل مسئولیت اداره امور شهر میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹).

محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع، مستلزم ظرفیت بالای مدیریت است که حکمرانی خوب شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. نظریه حکمروایی مطلوب با شاخصه‌هایی مانند مشارکت جویی، پایداری یا تداوم پذیری، حق و اختیار تصمیم‌گیری، عدالت، کارایی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی، شهروندمداری و التزام مدنی و امنیت می‌تواند در زمینه نهادینه‌سازی مفهوم مشارکت و ارتقاء ارزش‌های مردم سالاری مفید واقع شود (بیدی، ۱۳۸۸: ۱۲؛ UN-Habitat, 2009). الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود، که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌کند. در اینجا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزء جدایی‌ناپذیر آن است (McCarney et al, 1995: 8).

در واقع حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است. در صورتی که مردم نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره امور شهر یا محله خود گام بردارند احتمال این که مدیریت شهر نتواند مسائل حادی که شهر با آنها روبروست را حل کند، بسیار است. از طرف دیگر اگر برنامه‌ریزان و مدیران امور شهری خواستار اجرا و تحقق برنامه‌های خود هستند باید آنها را با محیط اجتماعی هماهنگ سازند و چنین امری تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آنها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان‌پذیر است (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۱۲).

یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است. یعنی حکومتی که مردم اداره امور را بر عهده خواهند داشت (Dekker & Kempen, 2004: 43). بنابراین حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمروایی خوب شهری می‌باشد. در این صورت مشارکت نه تنها یکی از ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری بلکه گام اول جهت تحقق آن محسوب می‌گردد. در این پژوهش شهر تهران به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این کلانشهر به دلیل پیچیدگی‌های مدیریتی و تنوع جمعیت یکی از بهترین نمونه‌های موردی برای مطالعه در ایران است.

مقاله حاضر، سعی در پاسخ‌گویی به این سوال دارد که آیا ارتقاء سطح مشارکت شهروندی می‌تواند بر مدیریت شهری در ایران تاثیر محسوسی داشته باشد؟ میزان همبستگی و تاثیر مشارکت بر شاخص‌های مدیریت شهری از جمله شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی چه میزان است؟

مفاهیم مشارکت شهروندی

رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش روند شهرگرایی و پیچیده‌تر شدن نظام جامعه شهری از جمله عواملی هستند که ضرورت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را بیش از پیش کرده‌اند (UNDP, 1999: 428). در پارادایم مدیریت شهری، نقش‌ها و کارکردهای شهری جدیدتری برای دخالت دادن نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) و شهروندان در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شده است. رکن اصلی اجرای طرح توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های شهری است. در مفاهیم برنامه‌ریزی، اصطلاح «توسعه از پایین به بالا» ناظر بر نقش مشارکت مردم است. مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی و فعال گروه‌های شهری در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دانست. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی صورت گرفته است؛ به طوری که این پارادایم در حال حاضر، به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت شهری محسوب می‌شود (نجاتی، ۱۳۷۹: ۵).

نظام مدیریت شهری مانند دیگر نهادها در تبادل و تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می‌کند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به شمار می‌رود، تجربه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ‌تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمندی که از مشارکت محلی به دست آوردند، به مشارکت‌های بزرگ ملی کشور راغب می‌گردند (طوسی، ۱۳۸۰: ۶). کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که در جریان تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی، مردم به عنوان مرکز ثقل و ترکیب‌کننده منابع، امکانات و سرمایه به عنوان عامل اصلی پیش‌برنده محسوب می‌شوند (شوماخر، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیر بنایی می‌گردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکززدایی در اداره امور می‌باشد؛ باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می‌گردد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۱: ۱۳۴). امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت در انجام امور به منظور افزایش کیفیت، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، سهیم کردن شهروندان در پذیرش مسئولیت، فراهم‌سازی نیروی انسانی و مالی برای شهرداری‌ها، کاهش بار تصدی‌گری سطوح ملی نسبت به برنامه‌های محلی و افزایش شهروندان آگاه بر کسی پوشیده نیست. مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. این موارد نشان می‌دهد که در جهان آشفته و زندگی پیچیده شهری، بدون همکاری و مساعدت‌های مردمی، نمی‌توان به توسعه شهری مطلوب و پایداری دست یافت. در واقع مشارکت شهروندان، موتور محرکه مدیریت شهری است. لذا ایجاب می‌کند که افراد جامعه در تمامی امور شهری، همکاری فعال و گسترده‌ای را دنبال کرده و با مشارکت فعال در جامعه، خواسته‌های مشروعشان را تحقق بخشند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴؛ حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

نظریه پردازان مشارکت اجتماعات محلی معتقدند که مشارکت شهروندان در اداره امور خود هم حقیقت و هم ارزش است. نظریات امروزی تاکید می‌کنند که مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خود، هم بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی بر می‌دارد و هم ضامن اجرای صحیح برنامه‌های ملی در سطوح منطقه‌ای و محلی گردیده و هم رضایت اجتماعات محلی را فراهم کرده است (شوریایی، ۱۳۸۶: ۲). در همین رابطه بعضی از صاحب نظران مدیریت شهری معتقدند که بایستی بخشی از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به نهادهای مردمی واگذار شود و ضرورت این امر را در یک رویکرد اساسی این چنین مطرح می‌کنند: به واسطه مشارکت مردم در فرآیند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می‌توانند مسائل و نارسایی‌های اجتماعی شهر را شناخته و در جهت حل آن و نهایتاً بهسازی و توسعه شهری اقدام نمایند (رزمجوئی، ۱۳۸۲: ۷).

مواد و روش‌ها

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق حاضر کاربردی و روش آن آمار استنباطی بوده که با بهره‌گیری از ابزار پیمایش انجام شده است. برای ساخت پرسشنامه از مقیاس لیکرت استفاده گردید و جهت تحلیل نهایی اطلاعات پرسشنامه از نرم‌افزار Lisrel 8.3 استفاده شد. جهت بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و شاخص‌های مدیریت شهری مطلوب از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و در نهایت ضریب اثر مشارکت روی هر یک از شاخص‌ها تعیین می‌شود. برای بررسی پایایی گویه‌ها و شاخص‌های مربوطه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. به این صورت که تعداد ۳۵ پرسشنامه که روایی آنها تایید و اصلاحات لازم بر روی آنها صورت گرفته بود، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع گردید. در این روش نمونه‌گیری به تناسب مناطق و تعداد ناحیه‌ها، محلات و بلوک‌ها انتخاب و شهروندان نیز جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه در هر بلوک به صورت تصادفی ساده برای اجرای پیش‌آزمون^۱ انتخاب شدند. پس از تکمیل، پاسخ‌ها جمع‌بندی و ارزیابی شد و در نهایت ضریب آلفای کرونباخ برای آنها محاسبه گردید. ضریب فوق بیانگر اعتبار قابل قبولی برای پرسشنامه می‌باشد. در خصوص اعتبار و روایی وسیله اندازه‌گیری، از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. جداول شماره (۱) و (۲) ضرایب مذکور را به صورت جزئی‌تر نشان می‌دهند.

جدول ۱- ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های مشارکت شهروندی

ضرب پایایی کل	ضرب پایایی هر شاخص	گویه‌ها	شاخص‌ها	ابعاد
.۷۹	.۷۵	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت‌های عمرانی (ایجاد میدان، خیابان، مدرسه و ...) فعالیت‌های مربوط به محیط زیست (ایجاد فضای سبز، جنگل کاری و ...) فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (نظافت شهری، دفع زباله و ...) فعالیت‌های مربوط به رفاه شهری (ایجاد فرهنگ سرا، کتابخانه و ...) 	تمایل به انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر	ذهنی
	.۸۱	<ul style="list-style-type: none"> انسجام و همدلی با مسوولین عملکرد بهتر مدیریت شهری ایجاد روحیه همدلی و وفاق در جامعه استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی کاهش هزینه‌های مدیریت شهری کارآمدی و توانمندی مدیریت شهری 	نگرش به مشارکت	
	.۷۹	<ul style="list-style-type: none"> پرداخت عوارض و بهای خدمات شهری کمک هزینه مستقیم به شهرداری تامین مالی هزینه انجام طرح‌های شهرداری 	وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر	عینی
	.۷۶	<ul style="list-style-type: none"> نظارت بر فعالیت‌های شهرداری انتقاد از اجرای قوانین شهری اطلاع رسانی مسائل و مشکلات شهر انتقاد از عملکرد مسوولین شهری 	وضعیت انتقاد و حضور از عملکرد مدیریت شهری	
	.۷۷	<ul style="list-style-type: none"> سازمان‌های غیر دولتی (NGO ها) سازمان‌های اجتماعی (بسیج، گروه‌های صنفی، گروه‌های هنری و ...) 	عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های سازمان‌های داوطلبانه	
	.۸۲	<ul style="list-style-type: none"> تامین مالی هزینه انجام طرح‌های شهری (کمک مالی) تامین نیروی انسانی (کمک فکری) تامین ابزار و وسایل فیزیکی مورد نیاز (کمک ابزاری) 	وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری	

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول ۲- مدل تحلیلی تحقیق: شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری

ضرب پایایی کل	ضرب پایایی هر شاخص	گویه‌ها	شاخص‌ها
.۷۵	.۷۶	<ul style="list-style-type: none"> اطلاع رسانی به شهروندان در خصوص مسائل مختلف شهری نظرخواهی از شهروندان در خصوص برنامه‌ها و طرح‌های شهری وضوح رویه‌ها و مسوولیت‌ها در امور مختلف شهری 	شفافیت و پاسخگویی
	.۷۳	<ul style="list-style-type: none"> خدمات شهری عملکرد شهرداری 	کارایی و اثر بخشی (رضایتمندی اجتماعی)
	.۷۸	<ul style="list-style-type: none"> توزیع خدمات در سطح شهر روند تهیه طرح‌های شهری 	عدالت اجتماعی
	.۸۰	<ul style="list-style-type: none"> حقوق وظایف 	آگاهی شهروندی
	.۷۱	<ul style="list-style-type: none"> انتقاد پذیری مسوولین صداقت مسوولین قابل اعتماد بودن مسوولین 	اعتماد اجتماعی

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

بعد از اجرای پیش آزمون و پایایی گویه‌ها، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۱ با سطح معناداری ۹۵ درصد، ۳۲۰ نفر محاسبه شده است که روش نمونه‌گیری آن خوشه‌ای چند مرحله‌ای است.

$$n = \frac{\frac{t^2 qp}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 qp}{d^2} - 1 \right)}$$

n: حجم نمونه

N: حجم جمعیت یا جامعه

p: درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت درصد افرادی که دارای صفت مورد مطالعه اند

q: درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه اند

t: ضریب ثابت

d: تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

در این رابطه $t=۱/۹۶$ $q=۰/۳$ $p=۰/۷$ (با احتمال ۹۵ درصد) $d=۰/۵$

در این تحقیق جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تهران، مشارکت به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم‌بندی شده است. هر کدام از این ابعاد دارای شاخص‌هایی است که در مجموع از شش شاخص جهت سنجش مشارکت استفاده شده است. (۱) مشارکت ذهنی: بعد ذهنی مشارکت که معمولاً به دو زیر مقیاس نگرش و تمایل تقسیم می‌شود. در تحقیق حاضر برای سنجش مشارکت در بعد ذهنی از یازده گویه استفاده شده که از هفت گویه جهت سنجش نگرش مشارکت و چهار گویه جهت سنجش تمایل به مشارکت استفاده شده است. جدول (۱) ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های ذکر شده را نشان می‌دهد.

(۲) مشارکت عینی: بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند. برای سنجش مشارکت در بعد عینی ما از چهار شاخص (پرداخت هزینه‌های اقتصادی و درآمدی شهر، وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری، عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه، وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح‌های شهری) استفاده کردیم. در نهایت از مجموع دو نوع مشارکت مذکور (مشارکت از بعد ذهنی و مشارکت از بعد عینی)، میزان مشارکت کل در مدیریت شهری تهران مورد سنجش قرار گرفت (ت ۱).

در این نوشتار همچنین جهت نشان دادن تاثیر متقابل معیارهای حکمرانی خوب (شفافیت و پاسخگویی، عدالت اجتماعی، کارایی و اثربخشی، حقوق شهروندی و همچنین اعتماد اجتماعی) با مشارکت کل شهروندان در مدیریت شهری، به بررسی معناداری رابطه بین این متغیرها پرداخته شد. جدول (۲) مدل تحلیلی تحقیق برای شاخص‌ها و گویه‌های حکمرانی خوب شهری را نشان می‌دهند. با توجه به این جدول، پرسشنامه‌ای جهت آزمون و سنجش اهداف مطرح در تحقیق، طراحی گردید که در ادامه ضمن توضیح هر کدام از ابعاد و شاخص‌ها، به یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

محدوده مورد مطالعه

محدوده جغرافیایی مورد مطالعه شهر تهران و جامعه آماری پژوهش جمعیت ساکن در شهر در سال ۱۳۸۵ حدود ۸ میلیون نفر بوده است. تهران با دگرگونی‌های کالبدی فضایی ناشی از اولین پژوهش مدرنیته در ایران، پا به سده بیستم میلادی می‌گذارد. تهران شهری بوده است با حدود ۱۶۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و ۲۰۰ هکتار مساحت (دارالخلافة ناصری)، با خیابان‌هایی محدود، عمدتاً برای عبور پیاده و محدودیت بیش و کم کامل اتومبیل. همین شهر در پایان سده شهری است، با جمعیتی نزدیک به ۸ میلیون نفر، که مساحتی نزدیک به ۷۰۰ کیلومترمربع دارد؛ و مملو است از بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌های آکنده از اتومبیل. تهران جزو معدود شهرهایی در جهان است که در کمتر از یک سده، با دو انقلاب اجتماعی مواجه بوده و انقلاب دوم نقشی مهم در شهری شدن کشور ایفا کرده و در تولد شهروند مسئول، سهمی عمده داشته است. سرنوشت شهر و شهروند را در هم آمیخته، خواست شهر از شهروند را دگرگون کرده و مطالبات شهروند از شهر را بازتعریف کرده است (اطلس تهران، ۱۳۹۰). از این رو، تهران امروز تعریفی مجدد را مطرح می‌کند؛

1. Cochran

تعریفی در مقیاس شهر مرکزی و حومه هایش، اعم از مرفه و نامرفه؛ و تعریفی در مقیاس جهانی. تهران بر آن است که خود را در زمان حال تعریف کند؛ گذشته او دنیای دیگری است. شکی نیست که حال آن از گذشته اش نشأت می گیرد ولی این حال دگرذیسی یافته واز جنس دیگر است و نگاهی متفاوت را می طلبد.



شکل ۱ - قسمت‌هایی از شهر تهران که پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شده است
منبع: Google map, 2016

یافته های تحقیق

مشارکت شهروندان از بعد ذهنی

جهت بررسی معناداری رابطه بین مشارکت شهروندان از بعد ذهنی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری تهران از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از این آزمون چنین استنباط می شود که بین نگرش شهروندان به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی بین نگرش شهروندان به مشارکت با مشارکت آنها در مدیریت شهری ارتباط مستقیمی وجود دارد. این ارتباط در حدود ۴۹ درصد می باشد. یعنی ضریب همبستگی بین نگرش شهروندان به مشارکت و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری برابر $r=0/49$ می باشد.

مشارکت شهروندان از بعد عینی

یافته های منتج از ت (۶)، میزان مشارکت شهروندان از بعد عینی را پایین ارزیابی می کند. به طوری که اکثر شهروندان هیچ گونه مشارکتی نداشته اند و تنها ۱۸/۰۵ درصد آنها مشارکت بالایی داشته اند.

پرداخت هزینه های اقتصادی و درآمدی شهر

در کل می توان گفت که میزان مشارکت شهروندان در رابطه با این گویه متوسط به پایین بوده است. مشارکت پایین شهروندان برای گویه تامین مالی هزینه انجام طرح های شهرداری نیز صدق می کند. در رابطه با گویه کمک هزینه مستقیم به شهرداری هیچ گونه مشارکتی از طرف پاسخ دهندگان صورت نگرفته است.

نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری

در مورد این شاخص نیز سه گویه مطرح و مورد سنجش قرار گرفت که در گویه میزان نظارت بر فعالیت های شهرداری میزان مشارکت در حدود ۳۰ درصد بیان شد که نشان دهنده میزان پایین مشارکت در جامعه مورد مطالعه می باشد. این میزان مشارکت پایین برای دو گویه دیگر میزان انتقاد از اجرای قوانین شهری و میزان انتقاد از عملکرد مسولین شهر نیز به همین صورت می باشد.

عضویت در نهادها و سازمان های اجتماعی

براساس مطالعات صورت گرفته به غیر از شاخص پنج، میزان مشارکت در بقیه شاخص ها پایین ارزیابی شده است. این شاخص میزان عضویت و همکاری تعداد افراد پاسخ دهنده در نهادها و گروه هایی از قبیل؛ انجمن ها و موسسات خیریه، گروه های ورزشی، گروه های هنری، بسیج، انجمن ها و احزاب سیاسی، گروه های صنفی و انجمن اولیا و مربیان را بیان می کند.

وضعیت همکاری و شرکت در تهیه طرح های شهری

مشارکت، کلید اصلی اجرای طرح های توسعه شهری در سطح هر کشوری می باشد. یکی از علل اساسی به بن بست رسیدن طرح های شهری، ریشه در بی توجهی به مشارکت و سهم قابل توجه مردم و نهادهای محلی در اجرا دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹). مهم ترین عواملی که سطح و میزان مشارکت شهروندان را در روند تهیه طرح های شهری تعیین می کند عبارتست از مشارکت در تامین مالی، مشارکت در تامین نیروی انسانی، مشارکت در تامین ابزار و وسایل فیزیکی و مشارکت در تصمیم گیری های مدیریتی تهیه طرح ها. شاخص ششم (وضعیت همکاری و شرکت در روند تهیه طرح های شهری) با مد نظر قرار دادن عوامل ذکر شده میزان مشارکت شهروندان را در روند تهیه طرح های شهری در شهر تهران را مورد سنجش قرار می دهد، در مجموع مشارکت شهروندان در روند تهیه طرح ها بسیار ضعیف و حتی می توان گفت که هیچ گونه مشارکتی صورت نگرفته است.

برای این شاخص سه گویه مورد سنجش قرار گرفت که در دو گویه تامین مالی هزینه انجام طرح های شهری، تامین نیروی انسانی (کمک فکری) مشارکت بسیار پایین به طوری که شهروندان تهرانی به ترتیب حدود ۱۰ و ۳ درصد برای این دو گویه مشارکت را ثبت نموده اند و در گویه تامین ابزار و وسایل فیزیکی مورد نیاز (کمک ابزاری) مشارکتی صورت نگرفته است. که اکثر شهروندان مهم ترین دلیل عدم مشارکت خودشان را بی اطلاع بودن از این گونه طرح ها عنوان کرده اند.

در یک جمع بندی کلی در مورد سنجش میزان مشارکت از بعد عینی، نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون - خروجی LISREL - نشان داد که بین مشارکت شهروندان از بعد عینی با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری ارتباط قوی و معنی داری وجود دارد. زیرا $p\text{-value}$ به دست آمده از این آزمون برابر $0/000$ می باشد و این مقدار $p\text{-value}$ کوچک تر از سطح معنی داری $a = 0/01$ است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می شود و این رابطه در حدود ۷۹ درصد می باشد. بنابراین می توان گفت که رابطه همبستگی ($R = 0/793$) در سطح بالایی قرار دارد.

بررسی معیارهای حکمرانی شهری در شهر تهران

یافته ها نشان می دهد که معیارهای حکمرانی خوب شهری در مدیریت شهری تهران از سطح حداقلی پیروی می کند. همچنین معیارهای ذکر شده در مدیریت شهری به خصوص شهرداری رعایت نشده است به طوری که اکثر شهروندان گزینه های خیلی کم و کم را انتخاب کردند. در بین معیارهای مذکور، معیار رضایتمندی از عملکرد مدیریت شهری نسبت به دیگر معیارها از وضعیت بهتری برخوردار است. بر عکس معیار آگاهی شهروندی از وضعیت نامناسبی پیروی می کند و اکثر شهروندان با حقوق و وظایف خود آشنا نیستند. با توجه به سوال کلی که در مورد حقوق و وظایف شهروندان در قبال مدیریت شهری پرسیده شد، اکثر پاسخ دهندگان مهم ترین وظیفه خود را نظافت شهر و جمع آوری زباله ذکر کردند و با حقوق خود آشنایی کاملی نداشتند.

ذکر این نکته لازم است که آمار و ارقام جدول بالا از میانگین سوالات مربوط به هر معیار به دست آمده است. در مرحله بعد جهت بررسی معناداری رابطه بین معیارهای حکمرانی خوب با متغیر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با توجه به فاصله ای بودن متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است (جدول ۳).

با توجه به خروجی LISREL و نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی در می یابیم که بین معیارهای حکمرانی خوب شهری و میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری رابطه معنی داری وجود دارد. زیرا $p\text{-value}$ به دست آمده از این آزمون برابر $0/000$ می باشد و این مقدار $p\text{-value}$ کوچک تر از سطح معنی داری $a = 0/01$ است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می شود. نتایج جدول ۳ نشان می دهد که همبستگی مثبت و مستقیمی بین متغیرها وجود دارد به این صورت که با افزایش میزان مشارکت شهروندان، میزان شاخص ها در مدل ارائه شده برای مدیریت مطلوب شهری افزایش می یابد. در بین معیارهای مذکور، معیار آگاهی شهروندی، ارتباط قوی و معناداری با متغیر مشارکت شهروندی دارد به طوری که این ارتباط در حدود ۸۰ درصد می باشد. اما همبستگی بقیه معیارها با متغیر مشارکت شهروندی پایین می باشد.

همان طور که در مباحث نظری مطرح است که بین معیارهای حکمرانی خوب شهری ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد. نتایج جدول بالا این ارتباط را به صورت کمی نشان می دهد، با توجه به محاسبات صورت گرفته مشخص شد که ارتباط بین معیارهای حکمرانی خوب شهری در سطح متوسط و حتی متوسط به پایین می باشد؛ به عنوان مثال بین معیارهای کارایی و اثر بخشی و عدالت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد میزان همبستگی بین این دو معیار ۵۵ درصد می باشد.

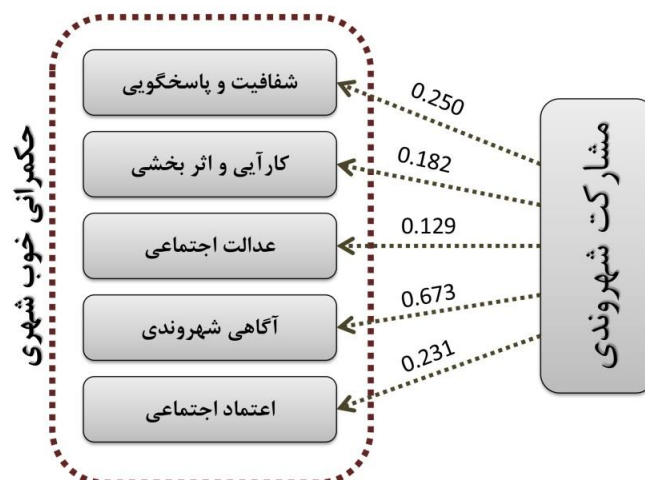
جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی معیارهای حکمرانی خوب شهری با مشارکت شهروندان

	مشارکت شهروندی	شفافیت و پاسخگویی	کارایی و اثر بخشی	عدالت اجتماعی	آگاهی شهروندی	اعتماد اجتماعی
مشارکت شهروندی	همبستگی پیرسون	۱	.۳۸۲**	.۲۳۸**	.۲۰۵**	.۳۷۷**
	سطح معنی داری (دو طرفه)		۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
	تعداد	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸
شفافیت و پاسخگویی	همبستگی پیرسون	.۳۸۲**	۱	.۳۷۲**	.۵۶۳**	.۴۲۲**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
	تعداد	۳۱۸	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰
کارایی و اثر بخشی	همبستگی پیرسون	.۲۳۸**	.۳۷۲**	۱	.۵۵۱**	.۴۸۹**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
	تعداد	۳۱۸	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰
عدالت اجتماعی	همبستگی پیرسون	.۲۰۵**	.۵۶۳**	.۵۵۱**	۱	.۶۸۷**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰
	تعداد	۳۱۸	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰
آگاهی شهروندی	همبستگی پیرسون	.۷۹۳**	.۶۳۱**	.۲۲۸**	.۳۴۵**	۱
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	
	تعداد	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸	۳۱۸
اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	.۳۷۷**	.۴۲۲**	.۴۸۹**	.۶۸۷**	.۳۸۸**
	سطح معنی داری (دو طرفه)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
	تعداد	۳۱۸	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰

**۹۹٪ اطمینان با سطح معناداری ۰/۰۱

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

بعد از اطمینان از وجود رابطه میان متغیرها با استفاده از روش همبستگی پیرسون، برای تعیین میزان این ارتباطات از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد. این بررسی نشان داد که مشارکت شهروندی بر هر پنج عامل تاثیر مثبت دارند و همچنین مشخص گردید که میزان تاثیرگذاری بر عامل آگاهی شهروندی نسبت به سایر متغیرها زیادتر می باشد.



شکل ۲- ضرایب استاندارد شده (Beta) تاثیر مشارکت مردمی بر پنج شاخص مدیریت شهری
ماخذ: نگارندگان

بحث و نتیجه گیری

یکی از موفق‌ترین الگوها در زمینه مدیریت شهری، الگوی حکمرانی خوب شهری است که در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی می‌باشد، که سه نهاد جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوطه مشارکت می‌کنند. این الگو، با معیارهایی چون مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، قانونمندی، عدالت، کارآیی و اثربخشی و جهت‌گیری توافقی که بر بینش راهبردی و تمرکززدایی تاکید دارد به عنوان اثربخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت نظام پیچیده و چند سطحی امروزه شهرها، مطرح شده است. محوریت این رویکرد در مدیریت شهری، بر مبنای توسعه‌ای مردم سالار و برابر خواهانه، برای تاثیرگذاری تمامی نیروهای دارای نفع و نفوذ در اداره امور شهرها و همچنین پاسخگویی به تمامی نیازهای این گروه‌ها می‌باشد.

با کمی دقت می‌توان دریافت که مفاهیم و شاخصه‌های حکمرانی خوب شهری یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن مقتدرسازی شهروندان است. مقتدرسازی فرایندی است که از طریق آن افراد به اندازه کافی قدرت می‌یابند تا در رویدادها و فعالیت موسساتی که بر زندگی آنها اثر می‌گذارد، مشارکت کنند. بدون مشارکت فعال شهروندان، مدیریت شهری در مفهوم واقعی آن تحقق نخواهد یافت و مدیریت شهری در چارچوبی محدود و ایستا و بدون مشارکت شهروندان، با اعمال قدرتی یک سویه و مسلط در تصمیم‌گیری نسبت به مسائل شهر و شهروندان باقی خواهند ماند. حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و گام اول رسیدن به حکمروایی خوب شهری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت مشارکت شهروندان موتور محرکه مدیریت شهری است که نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. نتایج به دست آمده از این پژوهش در راستای اهداف تحقیق به شرح زیر جمع بندی می‌شوند:

بر اساس مطالعات صورت گرفته مشخص شد که تمایل به مشارکت از بعد ذهنی بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد و بستر مشارکت در شهر تهران فراهم است. بعد عینی مشارکت که از طریق مشارکت شهروندان در نهادها و گروه‌های اجتماعی، روند تهیه طرح‌ها، وضعیت پرداخت هزینه‌های اقتصادی شهر و وضعیت نظارت و انتقاد از عملکرد مدیریت شهری سنجیده شد، در سطح پایینی قرار دارد. در بین شاخص‌های مذکور، شاخص پنج یعنی عضویت در نهادها و گروه‌های اجتماعی در وضعیت بهتری قرار دارد. با استفاده از رگرسیون چند متغیره، مشخص شد که مشارکت شهروندی بیشترین تاثیر را بر فاکتور آگاهی شهروندان دارد.

راهکارها و پیشنهادها

با توجه به اهمیت چشمگیر مشارکت مردمی و نقش مهمی که حکمرانی خوب شهری در اداره امور شهر دارد و با نظر به نتایجی که از تجزیه و تحلیل این پژوهش به دست آمد راهکارهای زیر جهت ارتقاء سطح این مشارکت پیشنهاد می‌گردد:

۱. رعایت اصول عدالت اجتماعی در روند تهیه طرح‌ها و توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح مناطق شهری. این امر می‌تواند از جهات متعددی بر رضایتمندی اجتماعی، احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری تاثیر مثبتی داشته باشد.
۲. جلب اعتماد شهروندان از طرف شهرداری از طریق: برخورد یکسان با همه مراجعین در اعمال ضوابط و مقررات و پرهیز از اعطای هر گونه امتیاز خاص به اشخاص خاص، به فعلیت رساندن نظرات شهروندان، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه ضابطه بازی، آمادگی مدیران و مسوولان شهر برای پذیرش انتقاد.
۳. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق، مشخص شد که اکثر پاسخ دهندگان با حقوق و وظایف خود آشنایی چندانی ندارند و اکثر آنها، مهم ترین وظیفه خود را به عنوان یک شهروند، نظافت و پاکیزگی شهر عنوان کردند. بنابراین آموزش شهروندی و آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.
۴. پیوند بیشتر انجمن‌های شهری به ویژه شورای شهر با شهروندان از راه افزایش برگزاری نشست‌ها گردهم آیی‌ها و سمینارها و بهره گرفتن از دیدگاه‌های شهروندان در تنظیم آیین نامه‌ها.
۵. شفاف سازی سیاست‌ها، قوانین و مقررات در زمینه طرح‌های عمرانی و توسعه.

۶. با توجه به اظهار نظر اکثر پاسخ دهندگان مبنی بر نبود سامانه و شبکه‌ای در سطح شهر جهت انعکاس نظرات، ایده‌ها، انتقادات و شکایات شهروندان از عملکرد مدیریت شهری، گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی و سامانه‌های ارتباطی نقش مهمی در افزایش مشارکت شهروندان دارد.

در پایان می‌توان متذکر شد که اگر معیارهای حکمرانی خوب شهری که در این نوشتار مطرح شد در سطح شهر پیاده شود و رعایت گردد، مشارکت شهروندان در اداره امور محلی خود افزایش می‌یابد هم چنان که اکثر پاسخ دهندگان مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت خودشان را عدم رعایت معیارهای مذکور عنوان کردند.

منابع

- بایزدی، ا.، و عباسی، ن. (۱۳۸۹). تحلیل داده‌های پرسش‌نامه به کمک نرم‌افزار LISREL 8.3، تهران: نشر عابد.
- حافظ‌نیا، م. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- حبیبی، م. و سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران. هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صفحه ۱۵-۲۴.
- حکمت‌نیا، ح.، و موسوی، م. (۱۳۸۱). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۰.
- ربانی‌ر، و عباس زاده، م.، و قاسمی، و. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان). مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی، مشهد، زمستان.
- رزمجویی، ب. (۱۳۸۲). راهبردهای مشارکت مردمی در طرحهای شهری. همایش مسائل شهرسازی ایران، شیراز.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویر احمد، طرح مطالعات زیست بوم بویراحمد علیاء. ساختار اجتماعی ۱۳۸۳.
- شوریایی، ح. (۱۳۸۶). ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- شوماخر، ا. (۱۳۸۹). کوچک زیباست، ترجمه علی رامین. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش.
- طوسی، م.ع. (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت دولتی.
- عباس زاده، م. (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر موردی؛ اصفهان. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- علوی تبار، ع.ر. (۱۳۷۹). بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). جلد اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی و نفوس مسکن، تهران.
- نجاتی، س.م. (۱۳۷۹). پارادایم جدید مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، سال اول.
- Dekker, K. & Kempen, R. (2004). Urban governance within the big cities policy, journal of cities, Vol 21. pp 41-55.
- McCarney, P.; Halfani, M. and Rodríguez, A. (1995). Towards an Understanding of Governance, the emergency of an idea and its implications for urban research in developing countries. University of Toronto.
- UNDP. (1999). Human Development Report, New York.
- UN-HABITAT. (2009). Urban governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance. Available in www.unhabitat.org.